

جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب

بررسی وضعیت سیاسی ایران بر متن شرایط تازه جهانی

حمید تقوایی



صفحه ۲

* معضل جمهوری اسلامی در رابطه با غرب تنها کوتاه آمدن در پروژه هسته ای نیست. پروژه هسته ای در واقع محل تلاقی تناقضات پایه ای تری در رابطه میان بورژوازی غرب و رژیم جمهوری اسلامی است.

* برای توده مردم مساله نه پروژه هسته ای و یا رابطه رژیم با غرب بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی است که تنها با سرنگون کردن این نظام بقدرت انقلابی مردم این مساله حل خواهد شد.

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۵

جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۲، ۴ اکتبر ۲۰۱۳

بازتاب هفته

بشریت متمدن کجا ایستاده است؟

بهروز مهرآبادی

خطراخراج صدها هزار کارگر افغانی از ایران!

محمد شکوهی

تانک و تکاور اثر ندارد

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵-۷

ماشین کشتار حکومت را میتوان زمین گیر کرد

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲

روز شمار اعدام ها

صفحه ۱۲

مصاحبه با مینا احدی درباره اعدام های اخیر در ایران و اعتراضات علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی



صفحه ۳

انقلاب تونس اسلامی ها را پایین کشید

کاظم نیکخواه



النهضة باقی نمانده است. گرچه النهضة این ترورها را محکوم کرد و نیروهای اسلامی سلفی را عامل آن ها معرفی و شماری را دستگیر نمود، اما جامعه تونس وسیعاً معتقد بود که این حزب حاکم است که به سلفی ها میدان داده و آنها را تقویت میکند و بر تعرضات پی در پی آنها به زنان و جوانان و دانشجویان چشم می

صفحه ۴

النهضة حاضر به کنار کشیدن از دولت نیست و هیچ شرط و شروطی را برای مذاکره نمی پذیرد. اما با ادامه قدرتمند اعتراضات و تظاهراتها و شکاف در صفوف دولت و حزیش ناچار شد این شکست را بپذیرد. کنار رفتن اسلامی ها از دولت را فی الواقع باید ادامه انقلاب و یا حتی انقلاب دوم تونس نام نهاد. این انقلاب و خیزشی بود که از زمان به قدرت رسیدن اسلامی ها در تونس جریان داشت و حدود ۷ ماه پیش با ترور شکری بالعيد از رهبران شناخته شده اپوزیسیون سکولار اوج گرفت. با ترور دومین رهبر اپوزیسیون سکولار محمد البراهمی در ماه ژوئیه امسال، دیگر روشن بود که برای مردم راهی جز سرنگونی حزب

بعد از حدود ۷ ماه تظاهرات و راهپیمایی و اعتراضات دهها و صدها هزار نفره مردم علیه حزب حاکم النهضة در تونس که تشکلهای کارگری در آن نقش برجسته ای داشتند، این هفته رشید غنوشی رهبر حزب اسلامی النهضة اعلام کرد که دولت ائتلافی رسماً کنار میرود. مجلس موسسان نیز که تحت نفوذ این حزب بود منحل اعلام شده است. قرار است یک دولت موقت سکولار بزودی زمام امور را بدست گیرد و انتخابات دیگری طی یک ماه دیگر برگزار شود. این یک رویداد تاریخی و بسیار مهم در تونس و در منطقه است. رشید الغنوشی همین چند هفته پیش در برابر خواست مردم انقلابی با قاطعیت گفت که

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب

بررسی وضعیت سیاسی ایران بر متن شرایط تازه جهانی

حمید تقوایی

تغییراتی که در وضعیت سیاسی امروز ایران شاهد هستیم، و اساسا در قالب رابطه رژیم با غرب طرح و بیان میشود، در تحلیل نهائی نتیجه و برآیند تحولات سیاسی در جهان و در منطقه در دوره بعد از انقلاب تونس است. انقلاب تونس، همانطور که در نوشته و اسناد متعدد حزبی توضیح داده شده - بعنوان نمونه رجوع کنید به مقاله کمونیسم در یک نقطه عطف تاریخی، ضمیمه انترناسیونال ۴۸۹ - نقطه آغاز و کلید شرایط سیاسی تازه ای در دنیا بود. دوره ای که در تمایز از دوره جنگ سرد در نیمه دوم قرن بیستم و جنگ تروریستها در دهه اول قرن حاضر، میتوان آنرا دوره انقلابات و یا دوره "جنگ طبقاتی" نامید. مبارزه طبقاتی همیشه و در هر شرایطی پایه تحولات سیاسی است اما امروز این مبارزه بیواسطه و آشکار و صریح تر از هر دوره ای سربلند کرده و علنا در مرکز تحولات قرار گرفته است. توده مردم ناراضی از وضعیت موجود، قطب سومی که در دوره گذشته مقهور و قربانی جنگ اسلامیون و تروریسم دولتی غرب بود، در برابر دولتها و کل وضع موجود بمیدان آمد، کیفرخواست خود علیه یک درصد حاکم را اعلام نمود، و با پرچم "نان، آزادی و کرامت انسانی" دیکتاتورهای چند دهساله و در مصر و تونس، اسلامیون جانشین آنها را به زیر کشید. قطب سوم به قطب اول تبدیل شد و تروریسم اسلامی و میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی غرب هر دو به عقب صحنه رانده شدند.

در این دوره بر خلاف دوره قبل مردم زائده جنگ هژمونی طلبانه بالائی ها نیستند، بلکه برعکس روابط و موضعگیریها و تناسب قوا در میان بالائی ها

بازتاب و نتیجه اعتراضات و انقلابات جاری، و یا خطر بالقوه سربلند کردن این اعتراضات، است. طبعا دولتهای غربی، نیروهای اسلامی و قومی و ناسیونالیستی، دولتهای منطقه و کل کمپ ارتجاع در برابر این وضعیت با تمام قوا بمیدان آمده و میکوشند روند تحولات را در جهت منافع ارتجاعی خود کانالیزه کنند اما حتی این تلاشها نیز واکنش و عکس العمل دفاعی نسبت به شرایطی است که انقلابات ایجاد کرده است. هیچیک از دولتها و نیروهای سیاسی طبقه حاکمه در غرب و در شرق با امثال بن علی و مبارک و قذافی مشکلی نداشتند. اگر تاریخ دست آنها بود این دیکتاتورها هنوز در مسند قدرت بودند. در روند سرنگونی این دیکتاتورها دولتها و نیروهای ارتجاعی وسیعا فعال و دخیل شدند اما سرنگونی این دولتها بنا به اراده و حکم توده مردم انقلابی صورت گرفت و نه بنا به خواست و طرحهای پنتاگون و ناتو و یا بر اساس توطئه در مساجد و حوزه های اسلامی. تحولات پس از شوروی در رواندا و یوگسلاوی و عراق و افغانستان و همچنین یازده سپتامبر و بمب گذاری ها در لندن و مادرید و بالی و غیره تماما بوسیله دولتهای غربی و یا نیروهای قومی مذهبی قبيله ای بومی مهندسی شد اما معمار تحولات بهار عربی توده مردم بودند. و این روند همچنان ادامه دارد.

به نظر من دیدن این تفاوت پایه ای بین دوره جنگ تروریستها و دوره انقلابها، بین شرایط سیاسی دهه اول با شرایط دهه دوم قرن حاضر، کلید درک و شناخت تحولات سیاسی جاری در جهان و منطقه و بویژه در ایران امروز است. میگویم بویژه

در ایران چون جمهوری اسلامی بعنوان ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی، خود یک بازیگر اصلی دوره جنگ تروریستها بود و طبعا شرایط تازه تاثیرات مستقیم و تعیین کننده ای بر شرایط سیاسی ایران خواهد داشت.

خیزش انقلابی ۸۸ و انقلابات منطقه

اولین بروز شرایط سیاسی تازه دنیا خیزش انقلابی ۸۸ در ایران بود. این خیزش اولین جرقه ای بود که ظلمات دنیای به قهقرا کشیده شده بعد از جنگ سرد را درهم شکست و نوری از امید و شور بر کل دنیا تاباند. انقلاب ۸۸ در نقطه مقابل تبلیغات جمهوری اسلامی و رسانه ها دولتهای غربی و گفتمان پیروان نظریه نسبیت فرهنگی و گفتگوی تمدنها و غیره، که یک تاز فضای فکری دوره جنگ تروریستها در غرب و شرق بودند، به روشنی و به نحو انکار ناپذیری به کل دنیا نشان داد که جامعه ایران جامعه اسلامی نیست، مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند، و آرمان و خواسته های مردم ایران همان خواستها و آرمانهای انسانی توده مردم در سراسر دنیا است. پیامی که بعدا انقلابات "نان و آزادی و کرامت انسانی" به کل دنیا مخابره کردند. جمهوری اسلامی انقلاب ۸۸ را با توحش هر چه تمامتر درهم کوبید اما از پیامدها و عواقب آن مصون نماند. ۸۸ به همه دنیا نشان داد که جمهوری اسلامی به زور سرنیزه حکومت میکند و با توده مردم در ایران بسیار بیشتر از "شیطان بزرگ" در تعارض و جنگ و مقابله است. ۸۸ جمهوری اسلامی را در لیگ حکومت شاه بعد از کودتای ۲۸

مرداد و حکومت شیلی بعد از کودتای پینوشه قرار داد و از این نقطه نظر دور تازه ای را در رابطه حکومت با مردم و تناسب قوا بین جناحها در خود حکومت، و رابطه رژیم با غرب پایه گذاشت. پدیده متناقض احمدی نژاد در دوره دوم ریاست جمهوری خود بازتاب و انعکاس و محل تلاقی مسائل و مشکلات ناشی از "فتنه ۸۸" برای کل حکومت بود.

خیزش ۸۸ طلایه دار دوره تازه ای بود که در سطح جهانی و منطقه ای با انقلاب تونس و انقلابات موسوم به بهار عربی آغاز شد. موجی از انقلابات و اعتراضات رادیکال و ضد کاپیتالیستی در غرب و شرق قد بلند کرد و در یک مقیاس کلان جهانی به همه فهماند که دوران سیاه جنگ قطبهای تروریستی بپایان رسیده است. زمینه های اقتصادی این تحول را فروپاشی وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ و زمینه های سیاسی آنرا ناکامی سیاسی آمریکا و دول متحده در عراق و افغانستان، به گل نشستن ماشین جنگی آمریکا و شکست سیاست تامین هژمونی آمریکا بر دنیای یک قطبی بعد از جنگ سرد، فراهم آورد. با سقوط مبارک بقول کیسنیجر دیوار برلین غرب فرو ریخت، و به این ترتیب سیکلی که با فروپاشی بلوک شوروی شروع شده بود، با ناکامی آمریکا در کسب مقام آقائی دنیای بعد از شوروی، بسته شد. فروپاشی بلوک شوروی قطب سرمایه داری بازار آزاد را بجلو راند و سقوط مبارک قطب توده مردم ناراضی از وضع موجود را. دیوار برلین با فرمان ریگان خراب شد و دیوار مبارک با فرمان التحریر.

در این میان تروریسم اسلامی، کیسه بوکسی که قرار بود مدال آقائی جهان را نصیب آمریکا کند، نیز وضع بهتری از رقیبش نداشت. پرچم بهار عربی، علیرغم اینکه در مهد اسلام و حیاط خلوت نیروهای اسلام سیاسی رخ میداد، نه اسلام و ارزشهای اسلامی - از هر نوع و شاخه آن - بلکه ارزشهای انسانی و جهانشمول بود. اسلام ضد

غربی در کل جهان به حاشیه رانده شد و بخصوص در منطقه با سربلند کردن ترکیه و تضعیف و بحرانی شدن وضعیت رژیم اسد و تقابل بین شاخه های سلفی و علوی اسلام سیاسی، جنبش اسلام سیاسی و مشخصا جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار ضعیف تر و دفاعی تر از گذشته قرار گرفت. حتی اسلام "میانه" و سر به غرب که در کشورهای انقلاب کرده میدانی برای عرض اندام پیدا کرده بود، در مصر و تونس بقدرت مردم کنار زده شد و این روند روگردانی از اسلام همچنان ادامه دارد. (تشکیل کانونهای اکس مسلم در مراکش و تونس و مصریکی از بروزات این روند است).

به این ترتیب بدنبال انقلاب تونس هم قطب دول غربی که بوسیله میلیتاریسم نئو کنسرواتیستی نمایندگی و رهبری میشد و هم قطب اسلام سیاسی موقعیت خود را از دست دادند. دیگر حوادث و تحولات دنیا نه تحت تاثیر و زیر سایه جنگ تروریستها بلکه ملهم و متأثر از انقلابات و جنبشها اعتراضی علیه وضع موجود رقم میخوردند. از انقلاب اعاده حیثیت شد، نظریات ارتجاعی نظیر نسبیت فرهنگی و چند فرهنگی گری (مالتی کالچرالیسم) بهمراه همتای اقتصادی و سیاسی شان، فریدمنیسم و تاجریسم - ریگانیسم، به عقب رانده شدند، و ایده ها و آرمانهای چپ انسانی و آزادیخواهانه در یک سطح وسیعی مقبولیت پیدا کرد.

شرایط سیاسی ایران و پدیده روحانی

تغییرات سیاسی در ایران بر متن این شرایط تازه جهانی و منطقه ای قابل بررسی و توضیح است. فاکتورهائی مثل تشدید تحریمها، انتخاب روحانی - یا بعبارت دقیقتر تن دادن رژیم به روحانی - رابطه جمهوری اسلامی با غرب، سرنوشت پروژه هسته ای، مناسبات بین جناحهای حکومتی و مهمتر از همه مقابله

مصاحبه با مینا احدی درباره اعدام های اخیر در ایران و اعتراضات علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی

انترناسیونال: از آغاز روی کار آمدن دولت جدید در ایران تعداد اعدام ها از مرز ۲۰۰ نفر گذشته است و همچنان روزانه افزایش میابد. شما این وضعیت را چگونه ارزیابی می کنید؟

مینا / احدی: آمار اعدامها از روزی که روحانی را از صندوق در آوردند بسیار بالا رفت. این بیش از هر چیز بنظر من ترس رژیم را نشان میدهد. روحانی با شعار "اعتدال" به میدان آمد. اما این شعار چیزی به معنای کنار آمدن با آمریکا و غرب نبود. روحانی به عنوان تنها راه حل نظام برای نجات ولی فقیه و دستگاه جنایت اسلامی به میدان آمد. بیرون آمدن روحانی از صندوقها به عنوان رئیس جمهور، طبعاً برآیند اوضاع درهم رژیم اسلامی و فشار نارضایتی و اعتراضات مردم ازبایین و فشارهای جهانی و داخلی و کوتاه آمدن رژیم بود. حکومت اسلامی ایران کوشید روحانی را جلوی صحنه بفرستد تا بلکه بتواند فشارهای آمریکا و دولتهای غرب را از روی رژیم برداشته و نمایش باز کردن اوضاع سیاسی و نرمش در مقابل مردم و غرب را به اجرا در آورد.

اما از همان اولین روزهای شروع کار دولت روحانی مشخص شد که اگر چه رژیم در مقابل غرب و اوپاما بناچار نرمش نشان میدهد ولی در مقابل مردم، شعار نرمش خود را بصورت چوبه های دار نشان داد و هر روز چند جوان را در زندان و یا ملاعام کشتند. این پاسخ نظام به مردم و بیانگر وحشت رژیم از حرکت اعتراضی مردم برای دستیابی به خواستههایشان بود.

بسیاری از مردم و حتی اعدامیها می گویند: روحانی گفته اوضاع بهتر میشود، پس کو تغییرات؟ اما مردم گول حرفهای روحانی را نمی خورند. با وجود فضای سرکوب شدید حکومت،

وقتی چند روز پیش خواستند ۲۶ زندانی اهل سنت را بکشند، اعتراضات گسترده ای اتفاق افتاد. این در حقیقت اوضاع را نشان میدهد رژیم به جنایات خود ادامه می دهد اما مردم، خانواده ها و خود محکومین به اعدام نمی گذارند که به این راحتی اعتراضاتشان را سرکوب کنند، که آقای روحانی در مقابل دوربین های بین المللی از اعتدال حرف بزند و در داخل راحت بروی خانواده ها شلیک کند و آنها را دستگیر کند. این اتفاق این بار نیفتاد و روحانی فوراً کوتاه آمد. گفتند فعلاً اعدام نمیکنند و گفتند به پرونده ها رسیدگی میکنیم. این در حقیقت شکنندگی رژیم را نشان میدهد. همه باید از این اوضاع استفاده کرده و برای رسیدگی به خواستههای خود در ایران حرکت کنند. باید گردن بند "اعتدال" روحانی را کشید و مجبورش کرد که در همه عرصه ها عقب نشینی کند. این درس مهم اعتراضات در هفته گذشته بود.

انترناسیونال: در زندانهای ایران تعداد زیادی در خطر اعدام بسر می برند. از داخل زندانها چه خبر دارید؟ زندانیان چه می گویند؟

مینا / احدی: زندانیان به درست اوضاع را ارزیابی کرده و همه از این حرف میزنند که بیشتر از قبل بوی خون می آید. زندانیان میگویند رژیم در صدد انجام اعدامهای بیشتر است و رفتار سرکوبگرانه و توهین و تحقیر و چنگ و دندان نشان دادن در داخل زندان بیشتر شده است. زندانیان سیاسی و همه زندانیان و محکومین به اعدام اخبار بیرون از زندان را فوراً دریافت کرده و میدانند که رژیم در چه وضعیتی است و از این جانبداران ابدی نمی ترسند. سالهای سال دست و پنجه نرم کردن با جانیان اسلامی و انزجار و نفرت از مشتی جلا و

دزد و قاتل، باعث شده که فضای اعتراضی در زندانها بالا باشد. در مواقعی احساس میکنم که زندانیان بیشتر از کسانی که بیرون هستند، اعتراض میکنند، نمی ترسند و امیدوار هستند که بتوانند نه فقط از همان جا علیه این حکومت و سبعیت جلاخان موظف میدانند در مورد مسائل مهم جامعه بیانیه داده و نظر و ارزیابی خود را در مورد مسائل سیاسی مهم به بیرون از زندان بفرستند.

انترناسیونال: در چند هفته اخیر جمهوری اسلامی عزیزان صدها خانواده را اعدام و بستگان، دوستان آنها و همه مردم را عزادار کرده است. اعتراضات گسترده ای علیه اعدامها آغاز شده که هسته اصلی آن را خانواده های زندانیان و اعدام شدگان تشکیل می دهد. این اعتراضات به چه شکل پیش می رود؟

مینا / احدی: اول باید بگویم که بنظر من اعتراض به اعدامها در ایران و بویژه در خارج از کشور باید بسیار بیش از اینها باشد. از طرف سازمانهای اپوزیسیون حکومت اسلامی و مخالفین اعدام و هر کسی که این اخبار را می شنود، بنظر من همه باید آستین بالا زده علیه اعدام مبارزه کنند.

ولی در عین حال باید تاکید کنم که جنبش علیه اعدام در ایران اکنون یک جنبش گسترده است. اینرا باید اضافه کرد متأسفانه به دلیل گستردگی اعدامها و ادامه یافتن آن از سی و پنج سال پیش تا کنون، این موضوع حتی وارد خواب کودکان ما شده، وارد هنر و فرهنگ و سینما و آهنگ و موزیک و ... شده است. اکنون یک جنبش قوی علیه اعدام در زمینه هنر میتوان دید که یک نکته شاخص در آن ضدیت با اعدام در همه جا و در ایران امروز و آینده

است. جنبشی قوی علیه اعدام و انسانی و مخالف هر نوع اعدامی در هر زمان و مکانی، این مهم است.

یک دلیل وجود جنبش مدرن و پیشرو علیه اعدام، جنبش دادخواهی و نه انتقام گیری، اینست که در ایران چپ و آزادیخواهی و مدرنیته و وصل شدن به جنبش جهانی علیه اعدام قوی است. خانواده های اعدام شدگان در ایران همواره پیشرو بوده اند و این خانواده ها از سال ۱۳۶۰ به اینسو که عزیزان آنها را کشتند همواره مبارزه کرده و همواره از موضع عدالت خواهی و رو به آینده بهتر و انسانی در این مبارزه سهیم بوده اند.

امروز اعدامها بسیار گسترده و در موارد زیادی افرادی را در بر میگیرد که اتهام مواد مخدر به آنها میزنند و یا قتل و غیره، خانواده های این زندانیان نقش بسزایی در دامن زدن به جنبش علیه اعدام بازی میکنند. در یک ماه گذشته سه مورد تجمع خانواده ها را در مقابل مجلس شورای اسلامی و یا دفتر روحانی و ... شاهد بودیم که بنظر من بسیار مهم هستند. آخرین مورد تجمع خانواده ۲۶ زندانی اهل سنت محکوم به اعدام بود که ابتدا در مقابل دفتر محسنی اژه ای و سپس در مقابل دفتر روحانی بود و توانستند با همکاری ما و خود محکومین به اعدام کاری کنند که رژیم و روحانی عقب نشینی کند. فعلاً اجرای حکم این ۲۶ نفر یک ماه به تعویق افتاده است.

انترناسیونال: بسیاری از رسانه ها از جمله رسانه های دولتی غربی نظیر بی بی سی و یا رادیو فردا در مورد این اعدام ها حرفی نمی زنند. از طرف دیگر بسیاری از نیروهای ملی مذهبی که تا چند روز پیش خود را مدافع حقوق بشر و اپوزیسیون رژیم معرفی می کردند، در مقابل این

اعدام های گسترده سکوت کرده اند، شما چه دلیلی برای این سیاست می بینید؟

مینا / احدی: جنبش ملی اسلامی تا کنون در مبارزه و اعتراض علیه اعدام پرونده درخشانی ندارد. اینها بیشتر از دوستان خود دفاع میکنند، یعنی از کسانی که قبلاً جزیی از حکومت بوده و در معیت خاتمی و دیگران در حکومت اسلامی نقش بازی میکرده اند و بند نافشان اکنون به حکومت اسلامی وصل است.

اکنون با آمدن روحانی که اینها آنرا "اصلاح طلب" نام می نهند و حلوا حلوا میکنند، در مقابل اعدام ۲۱۹ نفر سکوت میکنند و لام تا کام حرف نمیزنند و دل خوشی ندارند از اینکه ما اعتراضات خود را شدید تر و صدای خود را بلندتر کرده ایم و نمی خواهیم این جنایات را به شعار "اعتدال" جناب روحانی ببخشیم.

تصور کنید اگر حکومت اسلامی فرزندان یکی از همین هایی را که در حصر هستند یعنی رهنورد و موسوی و کربوبی را میخواست آزار دهد و یا حتی تصور کنید بطور مثال اسم فائزه رفسنجانی در لیست اعدامها قرار بگیرد، خام عبادی و شرکا دنیا را روی سرشان می گذاشتند، طبعاً ما به این موارد اعدام نیز اعتراض میکردیم. اما سوال من اینست وقتی مهدی جوان را که از ۱۴ سالگی در زندان بود و دو هفته قبل نیمه شب در مقابل رجایی شهر خانواده اش ضجه میزدند و خود مهدی از وحشت می لرزید، و ما مستقیم به آنجا وصل بوده و این ضجه ها و فریادها را می شنیدیم، خام شیرین عبادی کجا بود؟ چرا گوشه اش را گرفته بود و لام تا کام در این مورد حرف نزد؟ در

از صفحه ۱

انقلاب تونس اسلامی ها را پایین کشید

بند.

در واقع تعرضات و جنایات نیروهای سلفی شروع این کشاکش نبود بلکه این ترورها روند کشاکش و جنگ میان ارتجاع اسلامی و جبهه انقلاب را که از همان ابتدای انقلاب شروع شده بود تشدید کرد. در واقع اسلامی ها هیچ نقشی در انقلاب تونس که به سرنگونی زین العابدین بن علی منجر شد نداشتند و حتی مانع انقلاب به حساب می آمدند. اما همانگونه که پیش بینی میشد بعد از سرنگونی بن علی با استفاده از مساجد و تکایا و سازمان داده ای که در دست داشتند و بی سازمانی و ناروشتی در صفوف انقلابیون بروی ارايه قدرت پریدند و با راه انداختن يك انتخابات سریع و کسب يك اکثریت ۴۰ درصدی به کمک دو حزب بورژوا - سکولار که خود را چپ میانه تعریف میکنند بنام های "کنگره برای جمهوری" و "جبهه دموکراتیک برای کارگران و آزادی" يك دولت ائتلافی تشکیل دادند. مجلس موسسان نیز طی همین انتخابات با دست بالا داشتن النهضه تشکیل شد. رسماً قرار بر این بود که عمر دولت موقت ائتلافی حداکثر يك سال باشد. اما بنا به ارزیابی هایی که انقلابیون میدهند النهضه این روند را کش میداد تا فضا برای قبضه کامل قدرت آماده شود. سال گذشته مجلس موسسان تحت نفوذ این جریان پیش نویسی بر قانون اساسی را ارائه داد که در آن زنان را مکمل مردان در خانه و خانواده تعریف میکرد و هیچ اشاره ای به حقوق برابر زن و مرد نداشت. این پیش نویس با تظاهراتی وسیع زنان و مردان در تونس مواجه شد و حزب اسلامی خیلی زود عقب نشست و آنرا پس گرفت و اعلام کرد که پیش نویس دیگری را ارائه خواهد داد.

بهررو آنچه روشن است

اینست که سرنگونی بن علی بهیچ وجه پایان انقلاب تونس نبود. بلکه انقلاب ادامه یافت. کنار زدن ارتجاع اسلامی از دولت و دفاع از ارزشهای سکولار يك جنبه مهم انقلاب در تونس است که با کنار رفتن حزب النهضه به يك پیروزی مهم و تاریخی دست یافته است.

وقتی حدود دوسال پیش اسلامی ها در تونس و لیبی و مصر از طریق صندوق های رای دست بالا پیدا کردند کم نبودند کسانی که سناریویی نظیر انقلاب ۵۷ ایران و روی کار آمدن خمینی و جمهوری اسلامی را برای این کشورها هم تصویر میکردند. کم نبودند کسانی که در برابر بهار عربی عبارت خزان عربی را اختراع کردند و تبلیغ کردند. از چپ و راست چنین نظراتی را میشد شنید. امثال سران جمهوری اسلامی و کیهان شریعتمداری جشن گرفتند که اسلام در منطقه دارد پیروزی میکند و بزودی جمهوری اسلامی در مصر و تونس و لیبی اعلام خواهد شد. و مفسرین و قلم بدستان چپ و سکولار هم کم نبودند که با قبول پیروزی اسلامی ها از خزان عربی و "شکست انقلابات" و "تمام شدن انقلابات" سخن میگفتند. اما همه اینها همانگونه که با کمی دقت میشد دید و ما دوسال پیش در همین نشریه با اطمینان تیرتر زدیم که "پیروی اسلامی ها در منطقه گذراست"، آنها اشتباه میکردند.

کنار رفتن و در واقع سرنگونی حکومت اسلامی ها در تونس گویای يك دوره جدید و مهم تاریخی در کشورهایی است که مدیا و مفسرین و صاحب نظران سیاسی بورژوا آنها را "کشورهای اسلامی" نامگذاری کرده بودند و هنوز هم آنها را به همین نام مینامند. دوره ای که دیگر جریانات ارتجاعی اسلامی یکه تاز میدان سیاست نیستند.

آخوند و آیت الله و توضیح المسائل و قرآن مرجع قانون و قانونگزاری نیست. آموزش و پرورش اسلامی نخواهد بود. خیزش توده ای و انقلابی علیه اسلامی ها در تونس و قبل از آن خیزش ۳۰ میلیونی علیه اخوان المسلمین در مصر، دارد به همگان میگوید که هیچکس مجاز نیست این کشورها را کشورهای اسلامی نام گذاری کند. اینکه آینده این دو کشور و یا کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به چه سمتی برود و سیمای جامعه و مناسبات و قوانین در این کشورها چگونه شکل بگیرد هنوز دقیقاً روشن نیست و به جدالهای طبقاتی و سیاسی امروز و آینده بستگی دارد. اما هرچه باشد این کشورها افول قطعی اسلام سیاسی را اعلام و تثبیت کردند. منصور حکمت حدود ۱۴ سال پیش در مورد ایران گفت ایران يك کشور اسلامی نیست. و به کل فضای اجتماعی و جنبشهای سیاسی و فضای فرهنگی در ایران استناد کرد. خیلی ها همین را قبول نمیکردند. اما بخشهای مختلف مردم ایران میتوان گفت صدبار بیشتر از مصر و تونس آمادگی این را دارند که به دخالت مذهب در دولت و قوانین و آموزش و پرورش بطور همه جانبه پایان دهند.

هنوز کار تمام نیست

همینجا باید تاکید کرد که خیزش اخیر مردم تونس تنها با هدف کنار زدن قوانین اسلامی صورت نگرفت. بلکه يك اعتراض مهم مردم و بویژه کارگران به شکاف طبقاتی و فقر و بیکاری و بی تامينی وسیع در میان مردم بود. با کنار رفتن النهضه يك گام اساسی و مهم برداشته شده است. اما مهم اینست که این گام تثبیت شود و گامهای اساسی دیگر نیز بروشنی تعریف شود. سوال اینست که آیا احزاب موجود از آن برنامه و رادیکالیسم و پایه اجتماعی ای برخوردار هستند که بتوانند انقلاب را تا به آخر به

پیش ببرند؟

اینجا همینقدر اشاره کنیم که تا آنجا که به دخالت مذهب مربوط میشود انقلاب تونس باید شفاف و روشن پرچم جدایی دین از دولت و از آموزش و پرورش را برافرازد و از آن دفاع کند و آنرا به قانون جامعه تبدیل کند. بعلاوه برای پیشروی و پیروزی انقلاب پلاتفرم روشن و شفافی که تضمین کننده حقوق سیاسی همه آحاد مردم باشد و همچنین رفاه و زندگی ای با استاندارد امروزی را برای همه مردم چه شاغل چه بیکار چه بیمار تضمین کند، از جمله بيمه های اجتماعی و تحصیل و درمان رایگان را حق همه مردم اعلام کند، بسیار

اساسی و ضروری است. تا آنجا که از روزنه رسانه ها میشود به صحنه سیاسی تونس دسترسی پیدا کرد کمابیش میتوان به این نتیجه رسید که تونس هنوز راه درازی برای پیاده کردن اهداف و آرزوهای کارگران و زنان و مردم انقلابی در پیش دارد. نیروهای سیاسی روشن و سوسیالیست و کارگری ای که نماینده آمال و آرزوهای توده وسیع کارگران و زنان و مردم باشند و از کالیبر و ظرفیت هدایت تحولات اساسی برخوردار باشند در وسط صحنه دیده نمیشوند. اما مسیری که تا اینجا انقلاب در پیش گرفته است بسیار امید بخش است.*

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما"
در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل
دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و
آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

بازتاب هفته

بشریت متمدن کجا ایستاده است؟ در حاشیه آتشسوزی و غرق کشتی پناهجویان آفریقایی

بهروز مهرآبادی



هر روز تعداد زیادی از این پناهندگان جانشان به خطر می افتد و تعداد زیادی از آنها زندگی خود را از دست می دهند. آنها به حساب نمی آیند. مقامات دولتها و رسانه هایشان آنها را "پناهندگان غیر قانونی" لقب می دهند. از نظر قوانین آنها میلیونها انسانی را که تلاش می کنند از خفقان و سرکوب، از جنگ، از زن ستیزی، از کودک آزاری، از قوانین ارتجاعی حاکم، از فقر و فلاکت و از دست گروههای دولتهای تروریست و غارتگر بگیرزند، مجرمند. با آنها همانند بزهکاران رفتار می کنند و با اسلحه با آنها روبرو میشوند. هیچ قانونی وجود آنها را به رسمیت نمی شناسد و از آنها حمایت نمی کند.

مسئول این فاجعه بزرگ انسانی و کشته شدن این انسانها کیست؟ گروههای تروریست اسلامی؟ دولتهای سرکوبگر و غارتگر؟ گاردهای مسلح شرکتهای بزرگ نفتی که مناطق تحت نفوذ خود را از ساکنین آن "پاکسازی" و آنها را وادار به ترک محل زندگی خود می کنند؟ دولتهای غربی که هر کدام در پشت یکی از این گروهها و دولتهای تروریستی یا شرکتهای ایستاده، و مرزهای خود را به روی پناهجویان بسته اند، سازمان ملل که جز غرولند کار دیگری انجام نمی دهد و یا نظام گنبدیده ای که بر جهان حاکم است و تمام منابع، داده ها و استعدادهای بشریت را برای کسب سود بیشتر و منافع يك اقلیت ناچیز گروگان گرفته و چیزی بجز استثمار، جنگ، ناامنی، مرگ و فلاکت و نکبت برای مردم دنیا نداشته است؟

هر پاسخی برای این سوالات داشته باشیم در مقابل این پرسش اساسی قرار میگیریم که بشریت متمدن کجا ایستاده است و برای نقطه پایان گذاشتن به این تراژدی ها چه باید کند؟*



کودکی که پس از غرق قایق پناهجویان ایرانی به مقصد استرالیا جان خود را از دست داد

خواهد بود. از تعداد پناهندگی که هر روز در دریاها غرق میشوند، آماری در دست نیست. در آبهای جنوب اروپا، در استرالیا، در بخش های مختلف آمریکا

یافتگان تعداد مسافران این کشتی فرسوده، نزدیک به ۵۰۰ نفر برآورد شده است که تعداد زیادی کودک در بین آنها بوده اند. بدون تردید تعداد قربانیان این فاجعه بسیار بیشتر از این

پیدا کرده اند. تعداد زیادی از سرنشینان ناپدید شده اند. غواصان گفته اند که هنوز تعداد زیادی اجساد در قایق غرق شده وجود دارد و یا در دریا پراکنده است. هیچ گزارش و آماری از تعداد سرنشینان کشتی غرق شده وجود ندارد. اما براساس گفته های نجات

روز پنجشنبه ۱۱ مهر يك کشتی فرسوده حامل پناهندگانی از کشورهای مختلف آفریقایی در نزدیکی جزیره لامپدوسای ایتالیا دچار آتشسوزی و سپس غرق شد. بر اساس آخرین گزارش های منتشر شده جسد ۱۱۱ نفر پیدا شده و ۱۵۵ نفر توسط نجات

بازتاب هفته

خطراخراج صدها هزار کارگر افغانی از ایران!

محمد شکوهی



حکومت استفاده شود، تاکید مجددی است برای این امر که همه قوانین و مقررات جاری در جمهوری اسلامی با توحشی که ویژه جانبیان حاکم برای حفظ حکومتشان است و با اجازه و فتوای آخوندهای کله گنده و بیت رهبری، نه تنها مجاز، بلکه "واجب شرعی" بوده و برای حفظ حکومت و تضمین سرکوبگریهایش لازم و ضروری است. قوانین و مقرراتی که فقط و فقط يك هدف دارد و آن سرکوب و اعتراف گیری، زندان و اعدام می باشد. جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی اساسا رسالتی به غیر از این نداشته و ندارند. بر اساس این قوانین هر جنایت و وحشیگری که در خدمت حفظ نظام از تعرض مردم و مخالفان باشد، اجرائیش لازم و ضروری می باشد. اعتراف گیری از "مجرمان" اسم رمز دیگری برای جاری کردن شکنجه های وحشیانه و اسلامی در زندانها و بر علیه دستگیرشدگان می باشد. مردم ایران البته ساکت ننشسته اند. مقاومت، مبارزه مردم و مخالفان حکومت، علیرغم بربریت و سببیت جاری در قوانین اسلامی حکومت، تلاش های اسلامیزه کردن جامعه توسط جمهوری اسلامی را با شکست روبرو کرده اند. در برابر این تعرض مردم، حکومت جانبیان اسلامی با طرح و تصویب ضد انسانی ترین روش های شکنجه و سرکوب، از جمله "اعتراف گیری شرعی"، به دنبال تشدید فضا و جو سرکوب در جامعه و در زندانهایش است تا به خیال خود با این کار مردم معترض و ناراضی از حکومت را بترساند. اما تجربیات سه دهه گذشته مبارزات مردم نشان داده است که این کار براحتی برای حکومت ممکن نیست. جمهوری اسلامی و همه قوانین و مقررات شکنجه و اعتراف گیری اش، از سیستم قضایی و دادرسی گرفته تا زندان و اعدام... مورد خشم و نفرت مردم ایران بوده و مردم مترصد فرصتی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و پایان دادن به جنایات آن می باشند.*

امن ترین شرایط کاری باز گذاشته است. اشاره این مقام حکومتی به "ضعف فرهنگی کارفرمایان" در مورد عدم توجه به موضوع امنیت در محیط کار، توجیهات شرعی و قانونی برای در رفتن از جنایت سازمانیافته بر علیه کارگران در این کارگاهها می باشد. امنیت جانی در محیط کار، تعیین استانداردهای جلوگیری از حوادث حین کار، نبود امکانات ایمنی کار حتی در محیط های کاری که رژیم ادعا می کند این امکانات را دارند، سالانه هزاران قربانی از کارگران در حین کار میگیرد. جمهوری اسلامی و قوانین ضدکارگریش مسئول کشتار کارگران در محیط های کار می باشند.

"اعتراف گیری با رعایت حدود شرعی!"

رئیس پلیس آگاهی تهران هفته گذشته گفت: "کشفیات پلیس آگاهی علمی است اما در مواردی با هماهنگی مرجع قضایی و رعایت حقوق شرعی از اختیاراتمان برای برخورد با مجرم و اعتراف گیری استفاده می کنیم."

اینها حرفهای رئیس پلیس تهران است که در دفاع از شکنجه و اذیت آزار دستگیرشدگان و "مجرمان" بر ضرورت اعتراف گیری از دستگیرشدگان تاکید کرده است. اینکه جمهوری اسلامی رژیم شکنجه و اعتراف گیری است شکی در آن نیست. اما اینکه حدود و قوانین شرعی و ضد انسانی اسلام و قوانین اسلامی این اجازه را به جانبیان میدهد برای وادار کردن "مجرمان" از هر شیوه کثیفی برای به زانو درآوردن دستگیرشدگان و مخالفان

صدها هزار کارگر افغانی در ایران ایستاد و سیاست حکومت را به عقب زد. این مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگر ایران در دفاع از حق و حقوق کارگران افغانی در ایران می باشد.

مرگ روزانه ۵ کارگر در بخش ساختمان!

رئیس انجمن صنفی مسئولین کمیته های حفاظت فنی و بهداشت کار استان قم هفته گذشته گفت: روزانه ۵ کارگر در بخش ساختمان کشته میشوند. با يك حساب ساده سالانه فقط در بخش ساختمان نزدیک به ۲۰۰۰ هزار کارگر کشته و حتما هزاران نفر دیگر نیز دچار آسیب دیدگی و یا نقص عضو میشوند. این مقام حکومتی در ادامه میگوید: به استناد ماده ۹۳ قانون کار، تنها در کارگاههای بالای ۲۵ نفر باید کمیته فنی و حفاظت بهداشت کار تشکیل می شود. اینکه مدیران دولتی برای ایمنی کارگران، بودجه لازم را اختصاص نمی دهند به همین "ضعف فرهنگی" مربوط می شود.

اعتراف این مسئول حکومتی به ابعاد فاجعه کشتار کارگران در بخش ساختمان تکان دهنده است. اشاره وی به قوانین مربوط به ایمنی شغلی و امنیت در محل کار، نشان میدهد که دولت و کارفرمایان با قوانین و مقرراتی که خودشان تصویب و به اجرا گذاشته اند، کشتار کارگران را سازمان می دهند. در این میان کارگران کارگاههای زیر ۲۵ نفر شاغل، عمده ترین قربانیان سوانح حین کار در جمهوری اسلامی می باشند. قوانینی که دست سرمایه داران و کارفرمایان را در بهره کشی از کارگران و تحمیل بدترین و غیر

بازگشت داوطلبانه" در مناطق مرزی با همکاری سازمان ملل و موافقت دولت افغانستان راه اندازی شده است. این مقام رژیم اضافه کرد که جمع آوری و انتقال کارگران افغانی به این مکانها شروع شده و با همکاری نیروی انتظامی افغانی های "غیر مجاز" دستگیر و به این اردوگاه برای اخراج به افغانستان منتقل میشوند. بنابر این اخبار و گزارشات جمهوری اسلامی طرح اخراج کارگران شاغل و بخش های دیگر مهاجرین افغانی مقیم ایران را به اجرا گذاشته است.

سیاست اخراج کارگران افغان از ایران توسط جمهوری اسلامی بشدت محکوم می باشد. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران نباید در برابر این تعرض حکومت به شهروندان افغانی مقیم ایران ساکت بنشینند. این جمعیت میلیونی بخشی از مردم ساکن ایران می باشند که سالیان سال در بدترین شرایط کار کرده و توسط سرمایه داران و مفتخوران حکومتی استثمار شده است. این جمعیت شهروندان ایران بوده و باید همان چندگان حق و حقوقی که مردم ایران دارند، شامل حال این جمعیت نیز بشود. سیاست راسیستی - اسلامی افغانی ستیزی حکومت بر علیه کارگران افغانی جایی در میان ما کارگران و مردم ندارد. باید در برابر این سیاستهای کثیف حکومت موجی از همبستگی و جنبش دفاع از حقوق شهروندان افغانی مقیم ایران را سازمان داد. طبقه کارگر ایران و مردم هیچ نفعی در این سیاست های حکومت ندارند. تعرض به کارگران خارجی مقدمه ای است بر تعرض به کل طبقه کارگر ایران و مبارزانشان بر علیه حکومت. باید متحدانه و با قدرت در برابر سیاست کثیف اخراج

با پایان اعلام موعد تعیین شده جمهوری اسلامی مبنی بر اخراج صدها هزار کارگر افغانی از ایران، دولت، وزارت کشور و فرمانداریهای رژیم در چندین استان کشور حمله به کارگران مهاجر، دستگیری و اخراجشان را آغاز کرده اند. لازم به توضیح است که حدود يك ماه پیش وزارت کشور رژیم تا ۱۵ شهریور امسال به کارگران و مهاجرین افغانی فرصت داده بود که "داوطلبانه" ایران را ترك نمایند و اگر نه دولت و نیروی انتظامی این امر را "سازمان" خواهد داد. نزدیک به يك ماه از این موعد گذشته است و وزارت کشور و ارگانهای رژیم اخراج اجباری صدها هزار کارگر و مهاجر افغانی از ایران را آغاز کرده اند.

در آخرین خبر در این مورد آمده است که بین ۴۰۰ هزار تا يك میلیون نفر که در ایران شاغل می باشند، از کشور اخراج خواهند شد. وزارت کار رژیم، اداره جات کار، نیروی انتظامی با کارفرمایان در تدارک اجرایی کردن این سیاست می باشند. بر اساس دستورات و توافقات ارگانهای رژیم، کارفرمایان باید کارگران شاغل افغانی را اخراج و به جای آنها نیروی کار ایرانی را به کار بگیرند. کارفرمایانی که از اجرای این امر خودداری نمایند جریمه خواهند شد.

این وضعیت بیش از ۷۰۰ هزار کارگر افغانی شاغل در ایران می باشد. در کنار این سیاست راسیستی و ضدکارگری، موضوع اخراج بیش از يك میلیون نفر مهاجر دیگر افغانی که از نظر حکومت "اقامت غیر مجاز" دارند، در حال اجرا می باشد. مسئول امور خارجیان وزارت کشور رژیم دو هفته پیش نیز ضمن تاکید بر اخراج ها، اعلام کرد که "اردوگاههای ویژه

بازتاب هفته

تانک و تکان و تکان اثر ندارد

بهروز مهرآبادی

آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه. لغو هر نوع ارجاع به قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

از برنامه حزب کمونیست کارگری بخش "حقوق و آزادی های فردی و مدنی"

ما آن گرایشی در جنبش کارگری هستیم که طبقه کارگر را صاحب صلاحیت و موظف به دخالت اجتماعی در مقیاس وسیع، در قلمرو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی میداند و میخواهد کارگر در قامت ارائه کننده آلترناتیوی برای کل جامعه بشری ظاهر شود. افق، نقد اجتماعی، تئوری، اتحاد برای انقلاب اجتماعی از نظر ما مهم است، همانطور که افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و متحد شدن برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی اقشار کارکن جامعه در هر مقطع برای ما مهم است. هر یک از این وجوه مبین بعدی از حیات و مبارزه و ابراز وجود طبقه کارگر است و از نظر ما قابل تفکیک و قابل چشم پوشی نیست. تمام آن گرایشات اجتماعی، اعم از کارگری و غیر کارگری که این کلیت را میشکنند، که انقلاب اجتماعی را از کارگر و کارگر را از انقلاب اجتماعی دور نگاه می دارند، باید زیر انتقاد ما باشند.

منصور حکمت - مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری - تیرماه ۱۳۷۱، کارگر امروز

اما در عین حال از این صحبتها باید گوشه ای از واقعیت را دریافت، با وجود سرکوبها، جریمه کردن، بالا رفتن افواج کماندو از پشت بامها و استفاده از تانک برای برچیدن دیشها، جمهوری اسلامی نتوانسته است مانع تلاش مردم برای دسترسی به فضای آزاد بدون تعفن ارتجاع اسلامی، شود. این را نه تنها در شهرها بلکه در دور افتاده ترین روستاها نیز می توان دید.*

برگزار کنندگان آنرا نشان می دهد. در کنار این صحنه حقه بازی و وقاحت رئیس دولت را هم باید نشان داد که در مصاحبه اش می گوید: "هدف دولت ایران این است که دسترسی آزاد مردم به اطلاعات را فراهم کند." و: "در حال حاضر روستاهای ایران نیز به ماهواره دسترسی دارند. فقط کافست نگاهی به پشت بامها بیاندازید."

تکاوران اسلام این بار با تانک به مصاف دیشها رفتند. حمله لشکر اسلام به این صفحات نازک زنگ زده و له کردن آنها زیر هیکل غول پیکر تانکها اگر چه می تواند موضوع یک فیلم کمدی باشد، اما بیش از هر چیز نشاندهنده استیصال رژیم است که برای ارباب و سرکوب هیچ چیز دیگری در چنته اش نمانده است. نگاههای استهزا آمیز و پوزخندهای شاهدان این صحنه فقط زبونی و حقارت



از صفحه ۲

جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب

مردم و رژیم، نه در ادامه خطی وضعیت سیاسی در ایران و روندها و معادلات سیاسی داخلی، بلکه بر اساس تغییر شرایط جهانی شکل گرفته اند.

در یک سطح پایه ای از صندوق بیرون آمدن روحانی ناشی از همان عوامل و زمینه هائی بود که اوایما را به ریاست جمهوری آمریکا رساند. اوایما با شعار تغییر روی کار آمد، تغییر خط و سیاست و جهتگیری که در دوره هشت ساله بوش بر آمریکا و بر کل جهان غرب مسلط بود. این جهتگیری که میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی پرچمدار آن بود، هم از نظر اقتصادی و هم سیاسی به آخر خط رسید و طبقه حاکمه آمریکا به چهره تازه ای احتیاج داشت که همان اهداف و سیاستها را در قالب و شکل و شیوه های تازه ای دنبال کند. بوشیسم و شعار "هر که با ما نیست با تروریستها است" جای خود را به اوایمائیسم و این شعار داد که "مشت گره کرده تان را باز کنید تا باهم دست بدهیم". همین شعار که مبنای سیاست عملی دولت آمریکا در برخورد به نیروهای اسلامی قرار گرفت، نشان میدهد که گفتمان و جنگ میان غرب و تروریسم اسلامی دیگر مکان محوری و مرکزی خود را از دست داده است. نه به این دلیل که یکی از این دو قطب پیروز شده و یا به صرافت صلح و همزیستی مسالمت آمیز افتاده است، بلکه اساسا به این علت که واقعیات سرسخت اقتصادی و سیاسی و خطر بالقوه و بالفعل بمیدان آمدن قطب سوم، هر دو طرف این جنگ ارتجاعی را تحت فشار و در منگنه قرار داده است.

آنچه از دید دولت آمریکا و متحدین غربییش قرار بود از جنگ با تروریسم اسلامی - که خود در دوره قبل پرورده و بجلو رانده بودند- حاصل شود فی الحال در اثر فروپاشی وال

استریت و بی اعتباری فریدمنیسم، به گل نشستن ماشین نظامی آمریکا در افغانستان و عراق و ناکامی سیاسی در تامین هژمونی بر دنیای بعد از جنگ سرد، از دست رفته بود. و آنچه قرار بود حقانیتش با تفوق بر اسلام سیاسی ثابت شود، با بحران وال استریت بی اعتبار شده بود. انتخاب اوایما حاصل و برآیند این شکست و بی اعتباری بود. طبقه حاکمه آمریکا با انتخاب اوایما عملا اعلام کرد اولویتش دیگر نه مقابله با تروریسم اسلامی بلکه مقابله با "خطر" شورش گرسنگان است که بحران مزمن اقتصادی بدنبال خواهد داشت. دوسال بعد از انتخاب اوایما این شورش در غرب در شکل جنبش نود و نه درصدیها و در شرق در قالب بهار عربی سر بلند کرد و "جنگ تروریستها" را بیش از پیش حاشیه ای و به اوضاع تازه جهانی نامربوط تر کرد.

بجلو رانده شدن روحانی نیز حاصل شکست و بی اعتباری خط ولی فقیه در عرصه سیاست ایران و ناکامیهای اسلام سیاسی در سطح منطقه ای بود. بمدت هشت سال سیاستهای خامنه ای و جناح اصولگرا - که همیشه جهتگیری و خط رسمی جمهوری اسلامی بوده است- از طریق احمدی نژاد به پیش رفت و حاصل فروپاشی و ورشکستگی کامل اقتصادی و منزوی و حاشیه ای شدن بیش از پیش رژیم در سطح جهانی بود. کوبیدن بر طبل مقابله با شیطان بزرگ، بجز تحریمهای اقتصادی و وخیم تر شدن بیش از پیش وضعیت اقتصادی نتیجه ای در بر نداشت. از سوی دیگر تحت این شرایط، کابوس ۸۸، خطر فتنه بزرگ و خطر تکرار آنچه به سر دیکتاتورهای منطقه آمد، برای دست اندرکاران حکومت هر دم خطیر تر و هولناک تر میشد.

اسلام ضد آمریکائی نوع ولایت فقیه، همانند نئوکنسرواتیسم میلیتاریستی نوع بوش، به آخر خط رسیده بود و این واقعیت حتی میان جناحها و صفوف خود حکومت، به شکل تضعیف هر چه بیشتر رهبری - که حتی از جانب رئیس جمهور سوگلی اش بچالش کشیده میشد- خود را نشان میداد. یک نتیجه و برآیند این وضعیت ناتوانی جناح اصولگرا حتی در اجماع بر سر کاندیداهای خود در انتخابات اخیر و تن دادن به ریاست جمهوری روحانی بود. روحانی نماینده عبور از سیاست "مرگ بر شیطان بزرگ" به این سیاست است که "مشت گره کرده تان را باز کنید تا باهم دست بدهیم" و عامل اصلی این تغییر موضع نیز توده ناراضی مردمی هستند که "خطر فتنه بزرگ" را همچنان بالای سر حکومت زنده نگاهداشته اند.

مکان پروژه هسته ای

در شرایط حاضر رابطه جمهوری اسلامی با غرب در قالب و محمل پروژه هسته ای بیان میشود اما مساله اصلی رژیم نه سلاحهای هسته ای بلکه به بازی گرفته شدن و برسمیت شناخته شدن در سیاست و اقتصاد جهانی است. غرب نیز در قالب مساله اتمی، رام و همراه کردن جمهوری اسلامی در چارچوب سیاستهای منطقه ای خود را دنبال میکند. در عین حال از نظر تاکتیکی هر دو طرف اهداف یکسانی را از محور قرار دادن پروژه هسته ای دنبال میکنند که تماما در مقابل مردم و اعتراضات و مبارزات مردم قرار میگردد.

برای طرفین فایده تمرکز بر مساله بحران هسته ای این است که نقد و اعتراض و توجه جهانی نه بر رابطه سروکوبگرانه و وحشیانه حکومت با مردم و جامعه در ایران بلکه بر سیاستهای اتمی و غنی سازی اورانیوم و مراکز اتمی رژیم و غیره متمرکز میشود. برای رژیم مطلوبیت این برجسته شدن "اتمی بودن رژیم" بجای "سروکوبگری و

توحش" آن امر واضحی است و نیازی به توضیح ندارد. اما برای غرب بویژه در دوره "باز کردن مشتهای گره کرده" این مناسب ترین راه استحالته رژیم به یک رژیم مطلوب و مورد قبول غرب بدون دامن زدن به خطر انقلاب و بمیدان کشیده شدن مردم است. بویژه امروز بعد از تجربه انقلابات منطقه، غرب ترجیح میدهد هر چه بیشتر از گفتمان رژیم پنج و حمله نظامی- حتی به همان معنای اهرم فشار که بوسیله دولت بوش بکار میرفت - و نق زدنهای رایج در مورد نقض حقوق بشر دور بشود و مساله را بیش از پیش در چارچوب خلع سلاح اتمی نگاهدارد. سکوت در مورد تشدید اعدامهای در ایران - اعدام بیش از دویست نفر از زمان انتخاب روحانی و بیش از بیست نفر در مدت اقامت او در نیویورک- و در عوض هیاهوی رسانه ها حول خط اعتدال و سیاستهای "واقع بینانه" رئیس جمهور جدید ایران در رابطه با مساله اتمی تنها یک نمونه از "فوائد" تعریف مساله ایران در قالب پروژه هسته ای است. قالبی که روسیه و چین نیز میپذیرند. (درست شبیه نقشی که امروز خلع سلاح شیمیایی در رابطه با رژیم اسد ایفا میکند).

پارادوکس رابطه با غرب

معضل جمهوری اسلامی در رابطه با غرب تنها کوتاه آمدن در پروژه هسته ای نیست. پروژه هسته ای در واقع محل تلاقی تناقضات پایه ای تری در رابطه میان بورژوازی غرب و رژیم جمهوری اسلامی است.

امروز ضرورت تغییر را همه جناحهای جمهوری اسلامی پذیرفته اند - یعنی واقعیات در ذهن متحجرشان فروکرده است- اما مشکل بر سر بهائی است که باید برای این تغییر بردازند. اگر در آمریکا و کلا در دموکراسیهای غربی تغییر در سیاستها و شیوه ها با جایگزینی احزاب حکومتی به سرانجام میرسد - یا درواقع این تصویر

بجامعه خسته و به تنگ آمده از حکومت حزب قبلی داده میشود که دولت تازه تافته جدا بافته ای است- در جمهوری اسلامی مساله به این شکل قابل حل و فصل نیست. جمهوری اسلامی همانقدر قادر به تغییر است که رژیم مبارك و یا بن علی و یا قذافی بود. یعنی هیچ! چهره و نماینده و سمبل این رژیمهای دیکتاتوری رئیس جمهورهای مادام العمر بودند، اما در ایران رئیس جمهوری این موقعیت را ندارد. در ایران چهره و ستون - یا بقول مقامات خود حکومت "عمود"- نظام ولی فقیه است. و لذا هر نوع تغییری مستلزم زیر کشیدن این عمود خیمه نظام و درهم کوبیدن کل جمهوری اسلامی است.

یک فرق دیگر نظام جمهوری اسلامی با دیکتاتوریهائی نظیر رژیم مبارك خصلت و هویت ایدئولوژیک آن است. ضد آمریکائی گری حکومت یک رکن مهم این ایدئولوژی است که بوسیله ولی فقیه نمایندگی میشود. این ضد آمریکائی گری نیز به تمایل و موضع شخصی ولی فقیه ربطی ندارد بلکه یک جزء هویتی نظام و تعریف و تصویری است که جمهوری اسلامی از خود بدست داده است. شان نزول این تعریف و تصویر نه جهانی و منطقه ای و یا امری در حیطه سیاست خارجی بلکه داخلی و در رابطه با جامعه و مردم در خود ایران است. جمهوری اسلامی در همان بدو بقدرت رسیدن و برای در هم کوبیدن انقلابی که سر باز ایستادن نداشت با شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" و با اشغال سفارت آمریکا بمیدان آمد و با همین شعار بروی جامعه شمشیر کشید و هنوز هم یک رکن سرکوب جامعه و تحمیل بیحقوقی به مردم، از فقر و بیکاری و بی تأمین اقتصادی تا اعدامها و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و غیره، همین دمیدن در شیپور مقابله با شیطان بزرگ است.

از سوی دیگر در سطح

از صفحه ۸

جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب

منطقه ای و جهانی نیز جمهوری اسلامی با ضد غربیگری و آمریکا ستیزی شناخته میشود و همین جهتگیری مکان مهمی در جنبش اسلام سیاسی به حکومت داده است.

کیهان شریعتمداری در مورد مکالمه تلفنی روحانی و اوپاما چنین نظر میدهد:

"ممکن است گفته شود مگر يك تماس تلفنی صرفنظر از آن که کدام طرف در انجام آن پیشقدم شده است، چه امتیازی برای حریف تلقی می شود که در این باره باید گفت؛ آمریکا ... به وضوح می داند و بارها به صراحت اعتراف کرده است که انقلاب های اسلامی منطقه و نهضت های مقاومت از ایستادگی ایران اسلامی الگو گرفته اند بنابراین بلافاصله پس از مذاکره، می تواند انجام آن را با این پیوست برای دنیا و جهان اسلام - یعنی عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران - فاکتور کند که اگر الگوی شما ایران است، جمهوری اسلامی ایران نیز در نهایت و پس از سی و چند سال مقاومت چاره ای جز تسلیم شدن در برابر آمریکا و متحدانش نداشته است! فقط نگاهی به انبوه تفسیرها و تحلیل ها و گزارش های منتشر شده از سوی رسانه ها و مقامات آمریکایی و صهیونیستی بیندازید و ببینید که چگونه از مکالمه تلفنی مورد اشاره با عنوان «تسلیم ایران اسلامی»! و ضعف و ناچاری ناشی از فشار تحریم ها یاد کرده اند؟!"

اما شریعتمداری و همه سینه چاکان ولی فقیه بخوبی میدانند که نه مکالمه تلفنی با اوپاما، بلکه نفس از صندوق بیرون آمدن روحانی بجای جلیلی و یا قالیباف نشانه ضعف و استیصال جمهوری اسلامی و خط ولی فقیه بود. و این هم تنها نتیجه تحریمها نبود بلکه نتیجه این واقعیت نیز بود که جنبش

خواهد شد و این در تحلیل نهائی بزرگترین مانع بر سر متعارف شدن روابط با غرب و مهمترین تناقضی است که جمهوری اسلامی با آن روبروست.

فاکتور تشدید تحریمها

تشدید تحریمهای اقتصادی يك نتیجه مستقیم شرایط تازه سیاسی بود. در دوره جنگ تروریستها و تا زمانی که تقابل و جنگ میلیتاریسم غربی با اسلام سیاسی بر شرایط سیاسی دنیا و بخصوص منطقه سایه افکنده بود، رابطه رژیم با آمریکا نیز بر این بستر و محمل توجیه میشد. بوش خط و نشان رژیم چنج و حمله نظامی میکشید و رژیم با اعمال نفوذ در عراق و لبنان و نوار غزه پاسخ میداد و ضد آمریکاییگری حزب الله و حسن نصرالله و احمدی نژاد حتی در اروپا نیروهای لوناتیک و مالیخولیائی "ضدامپریالیسم" را بدنبال خود میکشید. بر متن این شرایط پروژه هسته ای نیز یکی از فاکتورهای بجالش کشیدن میلیتاریسم غربی بوسیله قطب اسلام سیاسی محسوب میشد.

انقلابات منطقه کل این معادلات را بر هم زد. بوشیسم و میلیتاریسم نئو کنسرواتیستی به عقب رانده شد، اسلام سیاسی تضعیف و حاشیه ای شد و مشخصا محور جمهوری اسلامی - سوریه - حزب الله - حماس در منطقه در هم شکست، و بالاخره بمیدان آمدن توده مردم و پا گرفتن انقلابات نان و آزادی و کرامت انسانی که در حریم و حیطه نفوذ نیروهای اسلامی و مستقل از و در برابر این نیروها شکل گرفت، نظام جمهوری اسلامی را در داخل ایران و در منطقه در موقعیتی بسیار ضعیف تر و شکننده تر از گذشته قرار داد.

برآیند این شرایط تازه تشدید تحریمهای اقتصادی بود. تشدید تحریمها نه حاصل دست بالا پیدا کردن سیاستهای بوشیستی و خط رژیم جناح و حمله نظامی، بلکه بر عکس نتیجه عقب زده شدن این سیاستها بود. شورای امنیت و مشخصا چین و روسیه - و

همچنین برخی از متحدین اروپائی آمریکا - تنها بعد از جایگزین شدن بوشیسم با سیاست "باز کردن مشتهای گره کرده" و اطمینان یافتن از اینکه حمله نظامی و رژیم چنج از دستور خارج شده است - به تشدید تحریمها رضایت دادند و این اعمال فشار بر متن شرایطی داخلی و منطقه ای که در بالا توضیح داده شد خط و سیاست غربستیزی را در جمهوری اسلامی در موقعیتی کاملاً دفاعی قرار داد.

امروز جمهوری اسلامی در يك موقعیت باخت باخت قرار گرفته است. از یکسو ناگزیر است برای برون رفت از بحران سیاسی - اقتصادی که با آن روبروست سیاست تعامل با غرب را در پیش بگیرد و از سوی دیگر هر درجه نزدیکی با غرب فلسفه وجودی و هویت رژیم را نفی میکند و راه را برای تعرض بیشتر مردم فراهم میکند.

تقابل مردم با رژیم

از دید توده مردم و نیروهای چپ و انقلابی مساله نه پروژه هسته ای است و نه رابطه رژیم با غرب، بلکه مساله بر سر نفس وجود حکومت اسلامی است. جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تقریباً به قدمت خود این رژیم است اما شرایط امروز چشم انداز و افق تازه و امید بخشی را در برابر این جنبش قرا داده است.

جمهوری اسلامی دیگر قادر به ادامه وضع موجود نیست و در عین حال نمیتواند بدون تکانها و تلاطمات شدید و بدون آنکه کل موجودیتش بخطر بیافتد تغییری در شرایط وجود آورد. تبدیل این "خطر" از يك امر بالقوه و تحلیلی به يك امر بالفعل و عملی تماماً در گرو مبارزه توده مردم و نقش نیروهای چپ و انقلابی در سازمان دادن و شکل دادن به این مبارزات است. باید بمیدان آمد و کل نظام جمهوری اسلامی را زیر بار این تناقض خرد کرد. در سازماندهی و پیشبرد امر مبارزه در شرایط امروز باید این نکته پایه ای را مد نظر قرار داد که

تغییرات در شرایط سیاسی ایران، حتی در همان حد بجلو رانده شدن روحانی و خط "اعتدال گرایی و میانه روی"، نه نتیجه خواست و اراده جناحهای رژیم و یا دولتهای غربی و کلا توازن و تناسب قوا میان بالائینها، بلکه نتیجه مستقیم و یا غیر مستقیم اعمال فشار جنبشهای اعتراضی و انقلابات جاری در سطح جهانی و در منطقه بر دولتها و کل نیروها کمپ ضد انقلاب است. و در نتیجه برای ایجاد هر تغییری به نفع توده مردم و صف انقلاب باید بر این فشارها افزود.

نیروهای راست اپوزیسیون اعم از ملی اسلاميون و اصلاح طلبان سابق و اسبق مثل همیشه صبر و انتظار و پائین آوردن توقعات و فرصت دادن به روحانی را تبلیغ میکنند. مردم باید درست بر خلاف این نوع توصیه ها که شمری بجز تثبیت وضعیت موجود و افزودن به عمر جمهوری اسلامی ندارد عمل کنند.

بخصوص در شرایطی که رژیم میتواند در سایه "تعامل" با غرب با دست بازتری به سرکوب مردم بپردازد افزودن بر دامنه و ابعاد اعتراض و مبارزه در همه سطوح و عرصه ها اهمیتی حیاتی پیدا میکند. يك نمونه افزایش اعدامها در هفته های اخیر و شکل گیری اعتراض متشکل خانواده های افراد زیر اعدام است. جنبشی که در خارج کشور نیز بوسیله مینا احدی و کمیته علیه اعدام دنبال میشود و باید تلاش کرد تا ابعاد وسیعتری بخود بگیرد.

در برابر اعمال فشارها و سرکوبگریهای حکومت و موعظه صبر و اعتراض اپوزیسیون حافظ نظام باید بر این واقعیت تاکید کرد که بویژه در شرایط امروز بر افراشتن پرچم مطالبات رادیکال و مشخص و دامن زدن به جنبشهای مطالباتی نقش کلیدی ایفا میکنند. باید از کشمکش میان بالائینها و از هر منفذ و روزنه ای که باز میشود استفاده جست و با پرچم مطالبات انسانی و آزادخواهانه و برابری طلبانه در عرصه های مختلف، از

مصاحبه با مینا احدی درباره اعدام های اخیر در ایران و اعتراضات علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب

اقتصادی جمهوری اسلامی است. این بحران در صفوف حکومت در درماندگی و ورشکستگی خط ولایت فقیه منعکس میشود و روی کار آمدن روحانی در واقع نتیجه و نمایانگر این درماندگی و به آخر رسیدن خط ولی فقیه است. اما واقعیت پایه ای تر اینست که مستقل از موقعیت جناحها و کشمکشهای درونی حکومت، جمهوری اسلامی نه میتواند به وضع موجود ادامه بدهد و نه قادر به تغییر این وضع بدون بیجان خریدن تکانها و تلاطمات شدید سیاسی و اجتماعی است.

توده مردم انقلابی باید بر متن این تغییرات و تلاطمات با پرچم خواستها و مطالبات رادیکال و انسانی خود بمیدان بیایند و نظام جمهوری اسلامی را بر متن تناقضات لاینحلی که در آن گرفتار آمده در هم بشکنند. برای توده مردم مساله نه پروژه هسته ای و یا رابطه رژیم با غرب بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی است که تنها با سرنگون کردن این نظام بقدرت انقلابی مردم این مساله حل خواهد شد. از نقطه نظر توده مردم ایران سرانجام روند تغییراتی که به جمهوری اسلامی تحمیل شده است میتواند و باید سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی باشد.

مقابله با بیکاری و گرانی و پائین بودن سطح دستمزدها، که یک عرصه مهم جنبش کارگری در سالهای اخیر بوده است، تا مبارزه علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی مفروضات و تا مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و تامین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و مدنی، بمیدان آمد. مبارزه در هیچیک از این عرصه ها امر تازه ای نیست اما شرایط سیاسی تازه سکوی پرش و زمینه های مساعدی برای برداشتن گامهای بلند بجلو فراهم کرده است. در این پیشروی بپویه چهره ها و نهادها و فعالین در جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی نقش کلیدی ایفا میکنند.

باید روند تغییرات را به سرنگونی جمهوری اسلامی کشاند

آنچه گفته شد را میتوان چنین جمع بندی کرد: ریشه و زمینه تغییرات سیاسی در ایران در تحلیل نهائی تحولات جهانی و منطقه ای بدنبال انقلاب تونس است. یک نتیجه این تحولات عقب رانده شدن و تضعیف اسلام سیاسی و تشدید بحران سیاسی و

اعدام بمن اعتماد دارد که برایم جای بسی افتخار است. بمن میگویند نگذارید خون ما روی زمین بماند و یا وقتی ماموران رژیم حمله میکنند و میخواهند آنها را ببرند و اعدام کنند، از من خداحافظی میکنند. این موقعیتی منحصر بفرد است. برای من که در بسیاری موارد بطور مستقیم با محکومین به اعدام و خانواده های آنها تماس دارم، بیان و توصیف این لحظات کار آسانی نیست.

فراخوان من به جوانان، کارگران، دانشجویان، زنان و همه مردم در ایران اینست که با بکار گرفتن ابتکارات متنوع علیه اعدام در ایران مبارزه کنند. روز ده اکتبر فرصت مناسبی است که شاید بتوان کارناوالهای دفاع از زندگی سازمان داد، جلسه و سخنرانی سازمان داد و موزیک علیه اعدام در همه جا اجرا کرد، به دیدار خانواده های محکومین به اعدام رفت و آنها را تشویق به مبارزه سراسری علیه اعدام برای نجات جان عزیزانشان کرد و... از ایرانیان در خارج کشور دعوت میکنم ده اکتبر را جدی تلقی کرده و علیه اعدامها در ایران در همه جا به خیابان بروند این وظیفه همه ما است.

ما میخواهیم ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام در همه جا به خیابان بیاییم و از همه دعوت میکنم که در این روز اعتراض کنند. ما الان کمپینی علیه اعدام دو زن ندا و شهرزاد در مالزی اعلام کرده ایم و مطمئن هستم میتوانیم آنها را نجات دهیم. خلاصه کلام اینست که باید علیه اعدام مبارزه کرد و از همه دعوت میکنم در این حرکت مهم با ما همکاری کنند.*

اسلامی و آخوند و قران و خدا کمک میکنند مشتی پاسدار و ارتشی و معمم و مکتلا بچاپند. اسلام به اینها پررویی و وقاحتی را می بخشد که جنایات خود را کاری ثواب و مقدس بدانند، تلاش می کنند سر مردم را شیره بمالند و همه این فجایع را با خواندن اوراد و توسل به خدا، توجیه کنند. جنبش علیه اعدام و اعتراضات مردم به اعدامها در حقیقت اساس حکومت اسلامی را زیر سوال میبرد. به همین دلیل است که مردم از جمهوری اسلامی همپای جنایتکار ترین حکومت های تاریخ بشر نظیر هیتلر نام برده میشود.

باید علیه این جنایات بود. من منتقد سازمانها و احزابی هستم که با این پدیده جنایت در جمهوری اسلامی به نوعی کنار آمده و فقط به دادن اطلاعیه های هر از چند گاهی و اعلام موضع در مورد اعدام بسنده میکنند. برای مقابله با اعدام باید جنگید و زندگیها را نجات داد. برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران باید علیه ستون و تکیه گاه حکومت اسلامی یعنی اعدام مبارزه کرد. نیروهای سیاسی که از این وظیفه مهم سرباز می زنند در حقیقت بیربطی خود را به جامعه و زندگی مردم نشان میدهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام در حد توان و امکانات خود مشغول جنگ با اعدام است. این جنگ و نبرد ظرایف خود را دارد، دوندگی زیاد دارد و کاری و امری است شبانه روزی. اما مهمتر از همه دخیل بودن در این جنبش عجین است با قلب، احساسات و عواطف. من این را با تمام وجود خود حس می کنم. شاید یک دلیل آن اینست که زندانی محکوم به

مورد ۲۱۹ نفر بقیه هم که اعدام شدند، من از اینها حرفی شنیده ام. رسانه های فارسی زبان نیز بنظر من بیشرمانه اخبار این اعدامها و حتی اخبار اعتراضات محکومین به اعدام، خانواده ها و اعتراضات کمیته علیه اعدام را سانسور میکنند و اندر فواید لبخند روحانی و مکالمه تلفنی او با اوایما کاغذ سیاه میکنند. این رفتار در محضر مردم ایران و قربانیان قابل بخشش نیست.

انترناسیونال: کمیته بین المللی علیه اعدام کارزار وسیعی را علیه اعدام ها و جنایات رژیم آغاز کرده، در مورد چگونگی پیشبرد این کارزار و برنامه های خودتان برای خوانندگان انترناسیونال بگوئید.

مینا احدی: اعدام جنایت است و باید علیه آن بود. کمیته علیه اعدام در مورد اینکه چه کسی و یا کدام سازمان و نظریه و فرد وابسته به این و یا آن ایدئولوژی دارد اعدام میشود، کر و کور است. ما علیه اعدامها در ایران هستیم مهم نیست رژیم این فرد را عقرب سیاه نام می نهد و یا سلفی یا منافق، مجاهد، سلطنت طلب، چپی و یا کمونیست. اینها ابدا معیار ما نیست.

اعدام گرفتن حق حیات از یک فرد و بیشرمانه ترین و وحشیانه ترین رفتار با یک انسان است. در ایران اعدام میکنند چون میخواهند مردم را ساکت کنند. مهمترین فاکتور در ایران اینست، اعدام امری سیاسی است. برای ساکت کردن و ایجاد رعب و وحشت. از جان مردم مایه میگذارند و همه را ساکت میکنند و می چاپند.

امروز دیگر همه میدانند که اعدام و سنگسار و سایر قوانین

International Committee Against Stoning

(<http://stopstonningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اینها ارقام و اعداد نیستند، زندگی هایی است که با سبیت کامل، پایان یافت!

۲۱۸ اعدام در دوره ریاست جمهوری روحانی جنایتکار!

اعدام، و شکستن فضای رعب و وحشت و سرنگون کردن این بساط ظلم و زور، علیه اعدامها اعتراض کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳

Mina Ahadi
0049 (0) 1775692413
minnaahadi@gmail.com
minnaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslim.de

اردبیل. در فاصله چهار روز در استان اردبیل سه شنبه - ۱۸ تیر ماه. ۱۲ افغانستان کرمانشاه - ۳ نفر. دوشنبه ۱۷ تیر ماه دوشنبه - ۱۷ تیر ۳۰ نفر اردبیل

کمیته بین المللی علیه اعدام، از همگان دعوت میکند که بیش از پیش به اعدامها در ایران اعتراض کنند. اعدام تکیه گاه حکومت اسلامی است و باید برای نجات جان محکومین به

شهریور
ایلام - اعدام در ملا عام - یک نفر - جمعه ۱۵ شهریور
سنندج - اعدام یک نفر در زندان - جمعه ۱۵ شهریور
اصفهان - یکشنبه - ۱۰ شهریور - اعدام در ملا عام
دیزل آباد کرمانشاه - اعدام دو نفر چهارشنبه ۶ شهریور
کاشان - اعدام یک نفر چهارشنبه ۶ شهریور
قم - دوشنبه - ۴ شهریور - اعدام ۵ نفر
اصفهان - دوشنبه - ۴ شهریور - اعدام یک نفر
اردبیل - دوشنبه - ۴ شهریور . اهواز - دوشنبه - ۴ شهریور - ۲ نفر
پنج شنبه خونین ۳۱ مرداد ماه ۲۷ نفر در یک روز اعدام شدند. اراک - پنج شنبه - ۳۱ مرداد ماه - ۵ نفر
کرج - ۱۱ نفر - ۳۱ مرداد ماه اردبیل - ۳۱ مرداد ماه ۳ نفر
ارومیه - ۳۱ مرداد - اعدام ۵ نفر
وکیل آباد مشهد - پنج شنبه، اعدام دو نفر
پنج شنبه - اعدام دو نفر در تبریز و هندیجان
پنج شنبه ۳۱ مرداد ماه تجمع چهارشنبه - ۳۰ مرداد - اعدام یک نفر در جهرم در ملا عام
یکشنبه ۲۷ مرداد کرج، سه نفر اعدام در ملا عام
چهارشنبه - ۲۳ مرداد - شش نفر - زندان کارون
دوشنبه - ۱۴ مرداد - سلماس. یک اعدام
یکشنبه - خرم آباد - یک اعدام ۳۰ تیر ماه
شنبه - ۲۲ تیر ماه - ۷ نفر - رشت
شنبه - ۲۲ تیر - ۹ نفر .

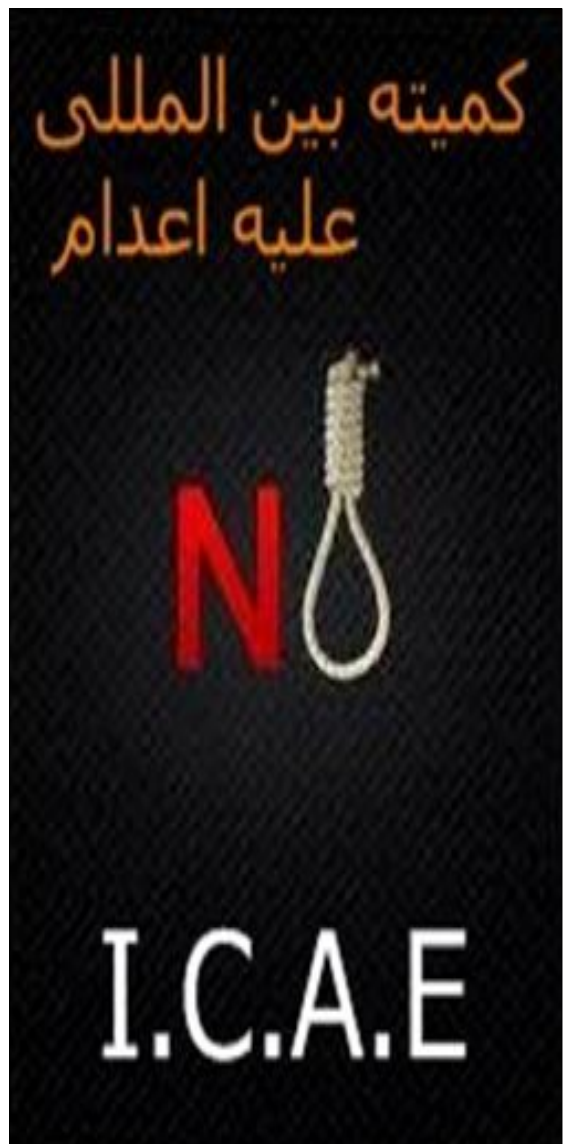
دارند!!
<http://per-iranhumanrights.org/1392/05/introduction/>

آری این ها که در اینجا می بینید عدد و رقم نیست. زندگی هایی است که بر باد رفت و سرگذشت تک تک این افراد، افشا گر سیستم و نظامی است فاشیستی در ایران که با جنایت سرپا مانده است. این آمار را ببینید و لحظه ای خانواده های این افراد و اعدام شدگان را در نظر مجسم کرده و از شیرین عبادی برنده جایزه نوبل بپرسید، چرا سکوت کرده است؟ آیا اگر موسوی و کروبی در خطر قرار بگیرند این جماعت دوم خردادی و اصلاح طلبان همیشه مدافع نظام اسلامی، همچنان لال و کر میمانند؟

آمار سخن میگویند!

ارومیه - اعدام ۵ مرد و ۳ زن چهارشنبه ۳ مهر ماه
رجایی شهر کرج - ۶ نفر - پنج شنبه ۴ مهر ماه ۵ مرد و ۱ زن
ارومیه - ۳ نفر - چهارشنبه ۳ مهر ماه
وکیل آباد مشهد - ۱ نفر
کرمان - ۴ نفر - سه شنبه ۲ مهر ماه
دو شنبه - ۱ مهر ماه - کارون اعدام نوجوان ۱۸ ساله که از ۱۴ سالگی زندان بود
یکشنبه ۳۱ شهریور ماه تجمع مردم مقابل مجلس در اعتراض به اعدامها
قزوین - اعدام یک نفر
رجایی شهر - اعدام یک نفر ۲۱ شهریور ماه پنجشنبه
داراب - اعدام یک نفر در ملا عام پنجشنبه ۲۱ شهریور ماه
شاهرود - اعدام دو نفر - سه شنبه ۱۹ شهریور
گچساران - اعدام یک نفر - ۱۸

کمیته بین المللی علیه اعدام قبلا در یک گزارش آماری اعلام کرد که در فاصله اعلام روحانی بعنوان رئیس جمهور تا اواسط جولای ۱۰۲ نفر در ایران اعدام شدند. این روند خونین در ماه اوت و سپتامبر با شدت و حدت بیشتر ادامه یافت و آمار جنایت و قتل عمد دولتی هر روز بالا و بالاتر میرود. اکنون حکومت اسلامی ایران در صدر جدول اعدامها در دنیا است. اینرا حتی کاترین اشتون نیز اذعان میکند. حداقل ۲۱۸ اعدام در دوره ریاست جمهوری روحانی طرفدار "اعتدال" را در تاریخ ثبت کنید! این جناب میگوید، خواهان خالی شدن زندانها است و ظاهرا میخواهد با لبخندی کذایی بر لب، با قتل عام زندانیان، زندانها را خالی کند! ما در اینجا برای اینکه شما خواننده این مطلب، تصویری از این جنایات پیدا کنید، بخشی از این آمار را آورده ایم. ببینید که در همه جای ایران، در همه زندانها، اعدام کرده اند و ببینید که با چه سبیتی جوانان ۱۸ ساله، زنان و مردان را به بهانه های واهی کشتند و جالب اینست که با لبخند روحانی و عوامفریبی های دولت جدید، دهان خیلها را بستند. از عفو بین الملل گرفته تا کاترین اشتون و از شیرین عبادی تا دوستان نزدیکش و از جمله کمپین بین المللی حقوق بشر ایران که تمام درد و مشکیشان رفع حصر از موسوی و کروبی است و شاخص رعایت حقوق بشر در ایران را رفع حصر از این چهره های سازنده حکومت اسلامی و معماران همین جهنم و دستگاه جنایت و سرکوب میدانند و در مقابل این همه جنایت لام تا کام حرفی نمیزنند و برای روحانی رئیس جمهور محبوبشان پیشنهاد یک "نقشه راه حقوق بشری" نیز



روز شمار اعدامها در ایران چهارشنبه ۱۰ مهر ماه آمار اعدامها در دوره روحانی ۲۱۹

اعتراض کنند. سکوت جایز نیست باید اعتراض کرد تا مانع قتل پدران و مادران و جوانان بسیاری شویم که اسیر این حکومت اند و در زندانهای این جنایتکاران با کابوس اعدام دست و پنجه نرم میکنند. اعدام جنایت است و باید فوراً در همه جا متوقف شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲ اکتبر ۲۰۱۳

استان فارس" در محل اعدام گفته است که "متهم" تقاضای عفو کرده بود و این تقاضا در کمیسیون عفو و بخشودگی رد شد و حکم اعدام را دادستان کل یعنی محسنی اژه ای جلال و رییس قوه قضائیه یعنی آملی لاریجانی که از دستهایش خون میچکد، امضا کرده بودند.

کمیته بین المللی علیه اعدام در آستانه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام از همگان دعوت میکند به موج اعدامها در ایران

روز گذشته در زندان مرکزی شیراز با سببیت به دار آویخته شد. بدین ترتیب آمار اعدامها در ایران در دوره روحانی "معتدل" به ۲۱۹ رسید.

سه شنبه ۳ مهر ماه مرد ۴۵ ساله به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان مرکزی شیراز اعدام شد. او در شعبه چهارم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به حبس ابد ۵۰ ضربه شلاق و اعدام محکوم شده بود. رئیس کل دادگستری !!! بخوان "رئیس کل جلاخان در

کمیته بین المللی علیه اعدام از این پس هر اعدام را به لیست ۲۱۸ نفر اعدام شدگان در دوره روحانی اضافه میکند و این را برای رسانه های بین المللی و همه نهادهای جهانی علیه اعدام ارسال میکند. اینرا به گردن روحانی و حکومت اسلامی آویزان کنید و نگذارید جنایت و قتل روزمره در ایران ادامه یابد.

شهروند ۴۵ ساله محکوم به اعدام همسر و پدر چند کودک که تقاضای عفو کرده بود،

جمعه ۴ اکتبر برابر با ۱۲ مهر ماه ۱۳۹۲ روز شمار اعدام در دوره روحانی ۲۲۵ اعدام در ایران در دوره روحانی روزی حداقل دو اعدام

جنایت میکنند. به اعدامها در ایران اعتراض کنید. این نسل کشی است و باید با اعتراض بین المللی همگان روبرو شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۱۳

تعداد زیادی زندانی در دوره به قدرت رسیدن روحانی اعدام شده اند و فضای ترس و وحشت زیادی در این زندان هست و زندانیان و محکومین به اعدام از شدت گرفتن اعدامها بسیار نگران هستند.

روحانی و حکومت اسلامی از یکسو برای نظام اسلامی وقت میخرند و از سوی دیگر با سببیت و بیرحمی کامل خون میریزند و

وی افزود: یک نفر نیز به جرم قتل در سال ۸۸ به قصاص نفس محکوم شده بود که حکم وی در زندان مرکزی یزد اجرا شد

طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است در زندانهای دیگر نیز روز گذشته تعدادی اعدام شده اند که رژیم اخبار این اعدامها را هنوز اعلام نکرده است. از اردبیل نامه ای به دست ما رسیده که

اعدام ۶ نفر در زندان یزد در روز پنجشنبه ۱۱ مهر ماه

خبرگزاری هرانا روز گذشته گزارش داد که پنج زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر به همراه یک زندانی متهم به قتل صبح امروز در یزد اعدام شدند. رئیس دادگستری یزد گفت: این پنج نفر به جرم حمل، نگهداری و توزیع ۳۹۶ کیلوگرم انواع مواد مخدر اعدام شدند.

اعلام کمپین برای نجات جان شهرزاد و ندا از اعدام در مالزی جمهوری اسلامی ایران خود مسبب این اوضاع است، ما از شهروندان ایرانی دفاع میکنیم!



میکنیم و با اعلام این کمپین میخواهیم فشار بر دولت مالزی آورده و کمک کنیم جان تعداد زیادی نجات یابد. ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام در راه است. از همه ایرانیان در سراسر جهان دعوت میکنیم با ارسال نامه به سفارت دولت مالزی و یا به دولت مالزی و با ترتیب دادن پیکت و میتینگ علیه حکم اعدام ندا و شهرزاد و رساندن صدای اعتراض خود به گوش رسانه های بین المللی کمک کنند جان این دو زن را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

با تحقیر و توهین روزمره دست و پنجه نرم میکنند. هیچکس فریاد رس آنها نیست. اینرا چند زن زندانی در تماس با کمیته علیه اعدام به ما گفته اند. اخیراً یکی از این زنان در تماس با کمیته بین المللی علیه اعدام از ما خواسته است که کاری بکنیم، و جمهوری اسلامی ایران که مسبب این اوضاع است و خود در ایران نیز با زندانیان از این بدتر رفتار میکند و روزانه حداقل دو نفر را اعدام میکند، طبعاً نه میخواد و نه در موقعیتی است که از این ایرانیان زندانی و یا محکوم به اعدام دفاع کند.

ما از این زندانیان و اعدامیهها دفاع

گیرد. مینا احدی میگوید: تجربه نشان داده است که اعتراضات بین المللی در مورد دولتهایی مثل مالزی بسیار تاثیر گذار است و ما میتوانیم با یک حرکت اعتراضی بزرگ نه فقط احکام اعدام شهرزاد متینی منصور ۳۱ ساله و ندا مصطفایی ۲۶ ساله را لغو کنیم، بلکه میتوانیم دولت مالزی را برای لغو احکام اعدام ۴۰ نفر ایرانی در زندانهای مالزی تحت فشار بگذاریم. واقعیت اینست که تعداد زیادی از ایرانیان در زندانهای مالزی در بدترین شرایط و با نبود کمترین امکانات زیستی و رفاهی و

اطلاعیه مطبوعاتی کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته بین المللی علیه اعدام امروز پنجشنبه ۳ ماه اکتبر، با انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کرد که برای نجات دو زن محکوم به اعدام در مالزی یک کمپین اعلام میکند.

مینا احدی سخنگوی این کمپین اعلام کرد که امروز یک نامه از طرف این کمیته به سفیر دولت مالزی در آلمان ارسال شد و قرار است روزهای آتی یک گفتگوی تلفنی بین مینا احدی و سفیر مالزی در آلمان انجام

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است.
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

صدای اعتراض علیه اعدام و سرکوبگریهای حکومت اسلامی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

امسال نیز حکومت ضد آزادی بیان و اندیشه، در نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور دارد. علیه این حکومت فاشیسم عریان به میدان بیاید!
وعده ما نمایشگاه کتاب از ۹ تا ۱۳ اکتبر



از ۹ تا ۱۳ اکتبر، شهر فرانکفورت آلمان میزبان هزاران نفر علاقمندان به کتاب از سراسر جهان است. در این نمایشگاه صدها جلسه و کنفرانس و پانل برگزار میشود و در چهار روز متوالی علاقمندان از دنیای کتاب در سال ۲۰۱۳ بازدید میکنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد ایران سولیدارتی هر سال در این نمایشگاه حضور دارند.

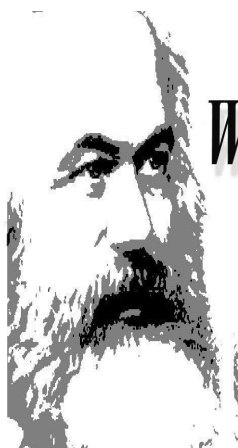
امسال برای ما کمیته بین المللی علیه اعدام بسیار مهم است که در دورانی که روحانی در خارج کشور باد به غیغ انداخته و اندر فواید دوستی و "اعتدال" وراجی میکند، در آنسو در داخل زندانها در ایران و در زندانی بزرگ به اسم ایران، مردم را وحشیانه سرکوب میکنند، هر صدای اعتراضی را در نطفه خفه میکنند، روزانه حداقل دو نفر را اعدام میکنند و از مردم معترض و منزجر از حکومت اسلامی بهر طریق ممکن زهر چشم میگیرند.

کمیته بین المللی علیه اعدام در این نمایشگاه چند میز اطلاعاتی و برنامه های متنوع و سخنرانی، سازمان داده و میخواهد در مقابل رسانه های بین المللی و در مقابل چشم هزاران انسان آزاده اعلام کند، که جمهوری

جوانان در ایران برای سرنگون کردن این حکومت دفاع کنید. وعده ما نمایشگاه کتاب فرانکفورت از ۹ تا ۱۳ اکتبر

Frankfurter Buchmesse
Braubachstraße 16
60311 Frankfurt am Main
کمیته بین المللی علیه اعدام
اول اکتبر ۲۰۱۳

اسلامی ایران را باید از این نمایشگاه بیرون انداخت. مردم دنیا و روشنفکران و نویسندگان اینست. حکومت اسلامی ایران را بایکوت کامل سیاسی کنید. این حکومت را به رسمیت نشناسید و از مبارزات مردم ایران، از مبارزات زنان و



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

ماشین کشتار حکومت را میتوان زمین گیر کرد

میشوند و طبقه کارگر بعنوان ستون اصلی مبارزه و انقلاب راهی جز این ندارد که متشکل تر و قدرتمندتر به میدان آید. سران حکومت خود بخوبی واقفند که نه حریف زنان میشوند، نه میتوانند جلو اعتراضات کارگران را بگیرند، نه میتوانند این جامعه پرتلاطم را آرام کنند و به عقب برانند و نه حتی بر دیش ها غلبه کنند!

حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر، جوانان و دانشجویان، زنان و کل مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه در همه عرصه ها و تنگ تر کردن فضا بر جمهوری اسلامی و سرکوبگرانش فرامیخواند. علیه اعدام ها باید بپاخاست، از مقاومت زنان در مقابل سرکوبگران باید فعالانه حمایت کرد، پرچم مطالبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را باید هرچه بیشتر بلند کرد و به مقابله همه جانبه با حکومت برخاست. جمهوری اسلامی رفتنی است و باید برو و همراه با سرنوشتی آن، خیمه شب بازی شیادان ملی اسلامی مرتجع و رسانه های نوکر نیز موضوعیت خود را از دست خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهرماه ۱۳۹۲

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۳



شیراز بیشتر از اینکه نشان قدرت حکومت باشد و باعث ارباب مردم شود، نشانه وحشت حکومت از دسترسی دهها میلیونی مردم به تلویزیونهای اپوزیسیون است. اعدام ها مقاومت ها را دارد برمی انگیزد، دانشجویان سر بلند میکنند، زنان علیرغم حضور لشکر نیروهای سرکوب در خیابانها، غیر اسلامی تر ظاهر

همه جانبه بر زندگی اکثریت عظیم مردم از کودکان و محصلان تا کارگران و زنان و جوانان و دانشجویان و سالمندان حاکم است. از نظر مردم ایران، مساله اصلی بود و نبود خود این حکومت است. مردم نه حکومت اسلامی میخواهند نه انرژی هسته ای اش را، نه جناح معتدل و غیر معتدلش را. اولین گام برای هرنوع بهبودی در زندگی مردم و خلاصی از اعدام و خشونت و سرکوب و ناامنی و فقر و بدبختی، پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی و همه جناح های آن است. در شرایطی که سیاست های "رهبر" شکست خورده و ضعف و زبونی و بن بست های حکومت بیش از هر زمان آشکار شده است، باید با تمام قوا برای به کرسی نشاندن خواست های خود به میدان بیاییم و کل این معادلات و گفتن ها را عوض کنیم. جمهوری اسلامی در شرایطی نیست که بتواند جلو پیشروی این نیروی عظیم را سد کند. نمایش بیرون آوردن تانک ها و خرد کردن دیش های ماهواره در

جرقه ها و در مراکز شهرها آویزان شده بودند. اما نه دولت های غربی و رسانه های نان به نرخ روز خور از این خشونت ها چیزی گفتند و نه ملی اسلامی های وطنی دهانشان را باز کردند. حتی ارگانهای حقوق بشر نیم بندشان مثل امنستیتی قرار است تا اطلاع ثانوی درمورد جمهوری اسلامی سکوت کنند یا با لحن مودبانه تری حرف بزنند! گوئی همه مصیبت ها و بدبختی های مردم با کلمه پرطمطراق "اعتدال" و "مژده" رابطه با دولت آمریکا حل و فصل شده و همه رذالت ها و جنایتهای جمهوری اسلامی به پایان رسیده است! اما فارغ از این ریاکاری ها و تا جایی که به رابطه جمهوری اسلامی و مردم ایران مربوط میشود، از "تعامل و اعتدال" خبری نیست. نصیب مردم کماکان سرکوب و خشونت است. زندان ها پر است، اوباش انتظامی همچنان در خیابانها و میدانهای شهرها در کمین زنانند، اعدام ها افزایش یافته است، فقر بیداد میکند و ناامنی

در حالیکه ملی اسلامی ها و رسانه های غربی گوش دنیا را با خبر مذاکره جمهوری اسلامی با دولت آمریکا کر کرده اند و اندر باب "اعتدال" روحانی سخن سرانی میکنند، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی به آدمکشی اش شدت داده، مجلسشان علیه کودکان و زنان قانون جدید خشونت و تجاوز وضع میکنند و نیروی سرکوبشان حمله به مردم را افزایش داده است که يك نمونه آن به خیابان آوردن تانک و له کردن ۸۰۰ دیش ماهواره در شیراز بود.

تنها در همان چند روزی که رئیس جمهور حکومت اسلامی در نیویورک علیه خشونت و راجی میکرده، ۲۲ زندانی توسط دستگاه قضایی حکومت کشتار شدند و از مقطع اعلام ریاست جمهوری او بیش از ۲۰۰ نفر حکم اعدامشان به اجرا گذاشته شده است و اگر مقاومت زندانیان و مبارزه خانواده هایشان و فعالیت کمیته بین المللی علیه اعدام نبود دهها نفر دیگر نیز در همین روزها با طناب دار، بر

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود